

در باره ی سانسور

رفیق فاتح بهرامی،

واقعاً جای تأسف است که شما تصمیم گرفتید که مقاله‌ی رفیق م. رازی را سانسور کنید.^{۱۱} و با خواندن نامه‌ی شما که در جواب به نامه‌ی سرگشاده‌ی رفیق سارا قاضی نگاشتید احساس تأسفم دو چندان شد. واقعاً متأسفم که شما برای «دفاع» از حرکت غیر اصولی خود مجبور شدید که به مفهوم کتابی و آکادمیک کلمه‌ی سانسور متوسل شوید. آری، این صحیح می‌باشد که اگر به معنی دقیق آن در فرهنگ لغات رجوع شود باید بگوییم که حق با شما می‌باشد.^{۱۲} ولی سنوالی که اینجا طرح می‌شود این است:

^{۱۱} برای این مقاله رجوع شود به <http://www.kargar.org/bahs.htm>

^{۱۲} از آن جایی که «سانسور» از زبان فرانسوی گرفته شده است معنی دقیق آن را می‌بایست در فرهنگ لغات فرانسوی بجوییم. فرهنگ نه جلدی *Le Grand Robert de la Langue Francaise* (چاپ پاریس، ۱۹۸۵، جلد ۲، ص. ۴۳۴) پنج معنی برای این کلمه عنوان می‌کند. اولی در مورد ریشه‌ی آن در روم باستان می‌باشد؛ دومی در مورد استفاده‌ی آن از سوی نظامیان در قرن هفدهم به عنوان به نقد کشیدن بوده؛ سوم، که معنی مدرن آن می‌باشد، از سال ۱۸۲۹ شروع شده است. و آن "بازرسی ... آثار ادبی، سینمایی ... از سوی مأمور دولتی قبل از مجاز اعلام کردن انتشار و توزیع آن‌ها" می‌باشد. مفهوم چهارم در مورد رأی نامطلوب در قبال حکومت (از سوی پارلمان) و پنجم استفاده کلمه از سوی روانکاوان می‌باشد. پس از نقطه نظر بحث ما مفهوم سوم مورد نظر می‌باشد و استفاده‌ی شما صحیح می‌باشد.

آیا توسل به مفاهیم صرفاً «کتابی» کلمات در فعالیت سیاسی (و یا زندگی اجتماعی) کافی و قانع کننده می‌باشد؟ جواب یک فرد سیاسی فقط یک «خیر» قاطع می‌تواند باشد و خواهان آن می‌باشم که به شما گوشزد نمایم که توسل به مفهوم «کتابی» واژه‌های سیاسی و ریشه یابی کلمات معمولاً آخرین پناهگاه فردی می‌باشد که در بحثی «شکست» خورده و اشتقاق و علم املاء را به میان می‌کشد و از آن چون «چتر نجات»ی استفاده می‌نماید. و این تاریخی طولانی در جنبش کارگری و کمونیستی دارد، و امیدوارم که رجوع به صرفاً سه مورد آن را روشن کند.

اگر به اواسط قرن نوزدهم نظری بیاندازیم می‌بینیم که مارکس و انگلس نیز با آن مواجه بودند. مارکس در «فقر فلسفه» (که در سال‌های ۴۷-۱۸۴۶ نگاشته شد) چنین می‌نویسند: "پس از مشاهده‌ی تمامی آنچه که دیدیم، ما به آسانی درک می‌کنیم که چرا آقای پرودون، در یک کتابی که در مورد اقتصاد سیاسی بوده، وارد بحث طولانی در مورد علم املاء و دیگر موارد دستور زبان می‌شود."^{۳۱۳} «پرودون» که در کتابش از درک اساس مفاهیمی مانند کارمزدی عاجز مانده بود مجبور به توسل به علم املاء و دستور زبان برای شرح پدیده‌ها می‌شود. و هم چنین در «ایدئولوژی آلمانی» (نگاشته‌ی سال‌های ۴۶-۱۸۴۵) مارکس و انگلس می‌نویسند: "همه‌ی این حرف‌های پوچ تنوریک، که در علم املاء پناهگاه می‌یابند، اگر مالکیت خصوصی‌ای که کمونیست‌ها می‌خواهند ملغاء کنند به مفهوم مجرد [آبستره] «مالکیت» تبدیل نشده بود، غیر ممکن می‌بودند."^{۳۱۴} این بحث در مورد برداشت «اشترنر» از مقوله‌ی مالکیت نگاشته شده. و روش شما هم بی‌شباهت با آن نیست. شما سانسور کنکرتی را که در جلوی رویمان صورت گرفته در مفاهیم آبستره و «کتابی»ی سانسورگم می‌کنید.

^{۳۱۳} مارکس و انگلس، مجموعه آثار انگلیسی، جلد ۶، صفحه‌ی ۱۲۹.

^{۳۱۴} مارکس و انگلس، مجموعه آثار انگلیسی، جلد ۵، صفحه‌ی ۲۲۹.

و اگر به قرن بیستم نگاه کنیم می‌بینیم که در سال ۱۹۰۵ لنین، در حین درگیری در جنبش انقلابی آن سال (از سونیس)، چنین می‌نویسد: " ... خود کلمه‌ی «دموکرات»، هم از لحاظ ریشه‌ی آن و هم بر حسب اهمیت سیاسی‌ای که در تاریخ اروپا کسب کرده است، نمایانگر مدافع حاکمیت مردم می‌باشد."^{۱۰} چرا لنین به چنین تفکیکی، آن هم در وسط شرایط انقلابی (که وقت بحث خیلی محدود و متمرکز بر خواست‌های عملی بوده) اشاره می‌کند؟ برای اینکه در طول مبارزه‌ی طبقاتی در روسیه عده‌ای به عنوان «دموکرات» وارد میدان شده ولی در عمل ابتدایی‌ترین شعارهای دموکراتیک را هم قبول نداشتند! لنین خواهان تأکید بر آن بود که هر دو برداشت از کلمه‌ی «دموکرات» - هم ریشه و هم اهمیت سیاسی آن - مخالف این تناقض «دموکرات»ها می‌باشند. و این مهم است که لنین بحث خود را صرفاً بر اساس مفهوم ریشه‌ای کلمه قرار نمی‌دهد!

مفهوم زنده‌ی سیاسی در درون مبارزه‌ی طبقاتی از هر مفهوم کتابی-آکادمیک و یا تاریخی مهم تر بوده و اگر به نمونه‌ای زنده نگاه کنیم این به وضوح دیده می‌شود. برای مثال، یک تجربه‌ی شخصی را عنوان می‌کنم. چند سال پیش درگیر اعتصابی بودم که در آن بوروکراسی اتحادیه، با این که علناً مخالف آن اعتصاب نبود، ولی در عمل، به اندازه‌ی کافی برای پیروزی آن اقدام نکرد. در جلسه‌ای که پس از اعتصاب برگزار شد به فعالان «ناشناخته» وقت برای مداخله در بحث داده نشد. هیچ کدام از کسانی که سخنرانی کردند به بوروکراسی مرکزی اتحادیه انتقاد نکرد - در حالی که بوروکراسی از پس مسایل بسیار ابتدایی‌ای، مانند تهیه‌ی مقدار کافی پلاکاردها، عاجز ماند. حال نحوه‌ی جلوگیری از بحث دموکراتیک در مورد رفتار و کردار «رهبری» اتحادیه - که در بهترین حالت باید گفت که در مورد پیروزی اعتصاب «دو دل» بودند - را می‌توان «سازماندهی مسالمت آمیز» جلسه یا هر چیز دیگری نامید. ولی از نقطه

^{۱۰} لنین، مجموعه آثار انگلیسی، جلد ۸، صفحه‌ی ۵۱۴.

نظر فعالینی که در کف آن سالن نارو خوردند - منجمله خودم - «رهبران» اتحادیه، که حقوقشان از سوی خود اعضای اتحادیه پرداخت می‌شود، بحث ما را سانسور کردند! با این که آنان دارای قدرت دولتی نمی‌باشند، ولی در عمل، در آن مقطع مشخص، از بازتاب بحثی که شاید برایشان خوشایند نباشد جلوگیری کردند. (البته آنان از جو جلسه خوب درک کرده بودند که افراد «ناشناخته» به راحتی می‌توانستند ناراضی و منتقد باشند).

پس به نظر من هر فرد سیاسی - و نه الزاماً کمونیست - اگر که منصفانه به این مورد نگاه کند، با وجود این که با معنی دقیق لغت نامه نیز آشنایی دارد، به صراحت آن را سانسور می‌داند. اگر بر اساس اثر سیاسی که به این مورد بنگریم، نوعی از سانسور می‌باشد. اگر این نقل قول‌ها و یک مورد زنده را در مجموع و همراه با تمام تجربیات روزمره‌ی مبارزان جنبش کارگری و کمونیستی در نظر بگیریم می‌بایست به صراحت گفت که معیار تعیین‌کننده‌ی معنی هر کلمه‌ی سیاسی (و یا اجتماعی) در پراتیک سیاسی-اجتماعی می‌تواند تغییر کند، به جوانب دیگری گسترش پیدا کند و یا کاهش می‌یابد. مفهوم زنده‌ی سیاسی در درون مبارزه‌ی طبقاتی از هر مفهوم کتابی-آکادمیک مهم تر می‌باشد.

این از سانسور؛ حال به توجیه آن از سوی شما نگاه کنیم. نکات دیگری که در پاراگراف " ۱- " به آن پرداخته‌اید از این قرار می‌باشند:

اول، شما در مورد حق سردبیر در "رد و قبول و انتخاب" مطالب و عدم نقض حق دموکراتیک م. رازی و گروه ما سخن می‌گویید. آری، بار دیگر حق با شما می‌باشد: سردبیر می‌تواند مطالب را "رد و قبول و انتخاب" کند، ولی تا زمانی که خود اهداف و چارچوب نشریه را زیر پا نگذارد. تا زمانی که سردبیر این کار را بر اساس اهداف و چارچوب نشریه انجام دهد مسئله‌ای وجود ندارد. ولی در مواردی که مقاله‌ای اهداف و چارچوب نشریه را نقض نمی‌کند، این "انتخاب" ناوارد و غیر اصولی می‌باشد! و همین کار غیر اصولی شما بوده که به نویه‌ی خود بیانگر نقض اهداف و

اصول نشریه در جلوی تعداد وسیعی شد. سردبیر یک نشریه بودن یک مقام دائمی نیست و سردبیر بالاخره به یک نهادی، چه کنفرانس گروهی و یا جلسه‌ی عمومی سهامداران، باید جوابگو باشد. و چنین نشست‌هایی کردار سردبیر را بر حسب اهداف و چارچوب نشریه مورد بازخواست قرار می‌دهند. پس در این مورد شما باید بگویید که به چه نهادی جوابگو می‌باشید و موضع آن در این مورد چه می‌باشد. اگر مقاله‌ی رفیق رازی واقعاً برای «روزنه» نامناسب بود در نامه‌ای نکات چارچوبی‌ای را که در مقاله زیر پا گذاشته شده بود را می‌بایست ذکر می‌کردید. این گونه هم ایشان متوجه می‌شدند که اشکال از کجا بوده و دیگر نویسندگان روزنه نیز آگاه می‌شدند.

دوم، حق دموکراتیک م. رازی و گروه ما در این مورد به وضوح نقض شده است. ولی کسی که بینش شما از «سانسور» را در نظر دارد از آن سو برداشت درستی را از حق دموکراتیک - حال کارگری یا بورژوازی - را هم نمی‌تواند داشته باشد. به طور فشرده بخواهیم بگوییم حق دموکراتیک م. رازی و گروه ما نقض شده چون که شما از یک سو می‌گویید که این مقالات را برای انتشار قبول می‌کنید (ماده‌های ۲ و ۳ «اطلاعیه در باره معرفی دور جدید سایت روزنه» - ۱ بهمن ۱۳۷۹)، ولی در عمل آن‌ها را حذف می‌کنید - و سعی دارید تا دلیل را پس از عمل «تنویریه» کنید.

در پاراگراف "۲-۲" شما دلایلی را که پشت این حرکت نهفته‌اند را ادامه می‌دهید. اول، شما می‌گویید که هر سردبیری، به عنوان سردبیر، می‌تواند به هر نوعی که میلش باشد مقاله‌ای را انتشار دهد و یا ندهد. و می‌گویید که این تصمیم خودتان بوده و به «حزب کمونیست کارگری ایران» ربطی ندارد. ولی جالب این است که هیچ کسی از طیف طرفدار «حزب» اشکالی در این مورد نداشت. حتی یک نفر هم ایرادی به شما که نگرفت، بلکه یک نفر دیگر کتباً از شما دفاع کرد. ما در عمل با موضع «حزب»ی روبرو شده‌ایم! کار اصولی آن است که اگر اشتباهی از سوی یک عضو گروهی انجام شود، به دلیل حفاظت منافع کلی گروه، گروه دیگر به هر قیمتی از آن کار دفاع نکند. پس این که شما و دیگر فعالین «حزب» بدون تردیدی از این مورد

سانسور دفاع می‌کنید، خود پای حزب را به میان کشیده‌اید! و این دقیقاً نقد رفیق م. رازی به «حزب» بوده است که به چنین چیزی منجر شده است. تا این عمل سانسور عریان شما همه‌ی مقالات ایشان را - به غیر از «سکسکه»‌ای که در مورد بخشی از مقاله‌ی «چشم انداز «براندزی» رژیم» داشتید، که باز شامل نقد به مواضع «حزب» بود، منتشر کردید. (البته بعداً به عنوان جزئی از «کارگر سوسیالیست» ۹۲ چاپ شد.)

و تا آن جایی که به تعهدات سیاسی مربوط است شما می‌توانید به «دفترهای کارگری سوسیالیستی»، «کارگر سوسیالیست» و «دیدگاه سوسیالیزم انقلابی» رجوع کنید، که هر سه، با وجود اینکه ادعایی مانند ماده‌های ۲ و ۳ «اطلاعیه در باره معرفی دور جدید سایت روزنه» نمی‌کنند، مقالات انواع و اقسام افراد را، منجمله کسانی که کاملاً مخالف ما می‌باشند، به دلیل بازتاب آن بحث‌ها در جنبش منتشر کرده‌اند (و به خرج خودمان)!

در پاراگراف "۳-" شما می‌گویید که "اصل شما" این می‌باشد که "آگاهانه مانع" شوید که "روزنه به تریبونی" برای "نویسندگان تازه وارد و یا گروه‌ها و انجمن‌های کوچک و کم نفوذ" تبدیل شود.

اول، شما صحبت از "اصل من" می‌کنید، ولی همان طور که در بالا توضیح دادم، بالاخره شما نیز به عده‌ای جوابگو هستید. اگر کل کارهای این تارنامه را، منجمله تعمیم کل هزینه‌ی مالی آن، شما بر دوش داشتید، آن وقت، و فقط در آن مورد، می‌توانید چنین اصلی را برای خود اتخاذ کنید!

دوم، باید گفت که رفیق رازی به هیچ وجه نویسنده‌ای "تازه وارد" نمی‌باشد و حداقل از نوامبر ۱۹۸۷ (در جزوه‌ی «مارکسیزم» کومله و "مسئله شوروی") با این اسم مقاله منتشر کرده است.

سوم، م. رازی جزئی از گرایش‌های درون چپ ایران می‌باشد که بیش از ۳۰ سال پیش فعالیت خود را شروع کرد (شما می‌توانید به تاریخچه‌ی مکتوب ما در «کارگر

سوسیالیست» رجوع کنید). زمانی که سوسیالیست‌های انقلابی شروع به نشر «کند و کاو» و فعالیت در جنبش خارج از کشور کردند هیچ کدام از گروه‌های «بزرگ» و پرطمطراق امروز موجود نبودند.

چهارم، این که گروهی کوچک باشد یا بزرگ معیاری غیر اصولی می‌باشد (و تا حدی می‌شود گفت که معیاری «بازاری» است، یعنی نگاه بر این دارد که یک «کالا» چقدر «خریدار» دارد). و این بحث شما واقعاً شگفت آور است. از کی تا به حال معیار اصلی (و به بینش شما تنها معیار) برای بررسی گروهی وزنه‌ی کمی آن بوده است؟ با اینکه این معیار بسیار مهمی می‌باشد، در شرایط کنونی، که در درون «چپ» طیف توده‌ای-اکثریتی-راه کارگری از همه کمیت بیشتری دارد، و کل این «چپ» از اپوزیسیون بورژوازی بسیار کثرت‌تر است (حال مثال‌های تاریخی زمان قیام ۵۷ و انقلاب فوریه ۱۹۱۷ را کنار بگذاریم)، این حرف تنها یک نتیجه‌ی منطقی می‌تواند داشته باشد. و رهبری شما نیز مدتی است آن را - با سلطنت طلبان - دنبال می‌کند!

پنجم، شما از "تحمیل" و "تجربه سایت دیدگاه" حرف می‌زنید. با این بحث دیگر شما از ریشه یابی به تحریف معنی کلمات خودتان را ارتقا دادید! هیچ نویسنده و یا سردبیری خواننده را وادار به خواندن مقاله‌ای نمی‌تواند بکند. پس "تحمیل" حرف کاملاً اشتباهی بوده و باز عمق اشتباه شما در مورد مفهوم دموکراسی و آزادی بیان را نشان می‌دهد. و اگر به "تجربه سایت دیدگاه" نگاه کنیم، به یاد می‌آوریم که اکثر جنجال‌ها از سوی خود «فعالان» طرفدار «حزب» شروع و تداوم پیدا کردند. و اگر هم امروز به دیدگاه نگاه کنیم، وضعش از روزنه خیلی سالم‌تر می‌باشد^{۶۱۶} - با این که ما موافق «همه گیر» بودن آن نیستیم. (یعنی افرادی مانند رضا پهلوی می‌توانند نظرات خودشان را از انواع و اقسام راه‌های دیگر بازتاب کنند).

^{۶۱۶} دیدگاه هم مقاله‌ی رفیق م. رازی را منتشر نکرد و در نامه‌ای دلیل آن را به ما توضیح

داد. از نظر ما دلیل سردبیر دیدگاه موجه بود.

ششم، شما از "وجهه و وزنه سیاسی ای برخوردار باشد" سخن می‌گویید. این "وجهه و وزنه" را چه کسی، چگونه و در کجا تعیین می‌کند؟ آیا این نقش تصمیم گیرنده‌ی سردبیر را پیشگامان جنبش کارگری، دانشجویی و زنان در ایران به شما داده‌اند؟ مگر شما در کف کارخانه‌ای و یا در تشکلات مستقل کارگری، دانشجویی و زنان در ایران پژوهشی در این مورد به عمل آورده‌اید؟

هفتم، این که "محتوای مطلب ... از نظر من جدی و مهم باشد" و "مطلب آقای رازی این شروط را برآورده نمی‌کرد". چه چیزی و یا کسی این نقش قضاوت کننده را به شما داده؟ چون که تا آنجایی که به ماده‌های ۲ و ۳ «اطلاعیه در باره معرفی دور جدید سایت روزنه» بر می‌گردد شما هم چنان نقشی ندارید. و اگر هم با "محتوا و لحن" این مقاله مسئله‌ای داشتید باز می‌توانستید آن را منتشر کنید (بنا بر ماده‌ی ۴ «اطلاعیه در باره معرفی دور جدید سایت روزنه» که می‌گوید "محتوا و لحن نوشته‌های منتشره در روزنه با نویسندگان آن هاست")!

هشتم، شما می‌گویید که اگر "روزنه ... انتخاب کند که آیا تریبونی برای این مناظره معین باشد یا خیر" و مسئله‌ی "وزنه و موقعیت سیاسی دو سوی این مناظره و محتوا و مضمون بحث" را عنوان می‌کنید هراس رهبران «حزب» را در مقابل بحث‌های سوسیالیست‌های انقلابی را فاش می‌کنید! «حزب» بزرگی که بر اساس و صحت بحث‌های خود اعتماد و اطمینان دارد دیگر از بحث با گروهی کوچک و انتشار مقالات آن واهمه‌ای نباید داشته باشد!

در پاراگراف "۴- شما می‌گویید که رفیق رازی "عرف و اخلاق و مفروضیات" را رعایت نکرده و مثال "کسی را [که به] شام دعوت" شده ولی از "میزبان" سوءاستفاده می‌کند را عنوان می‌کنید.

اول، به نظر من این واقعاً مثالی ناوارد برای یک بحث حساس و ظریف سیاسی می‌باشد، ولی برای نشان دادن عدم صحت آن، اجباراً از آن می‌بایست استفاده کنم. کاری که رفیق رازی کرده این می‌باشد که وقتی "میزبان" به او گفته که «بفرماید»

و «نوش جان» و «خانه‌ی خودتان است» دیگر ساعت‌ها «تعارف» نکرده و «دعوت» «میزبان» را جدی گرفته و بر اساس آن هم عمل کرده است. مشکل شما این می‌باشد که هم می‌خواهید افراد را به «شام دعوت» کنید و هم این که خورد و پاشی صورت نگیرد! فقط همه بیایند تعارف کنند و شکم خالی به خانه‌ی خود بازگردند!

دوم، شما خودتان باز «پای حزب» را به این وسط می‌کشید - «جرم»ی را که ما را به آن محکوم می‌کنید! «علم به سمپاتی سیاسی» روزنه و قبول مقالات، با وجود ماده‌های ۲ و ۳ «اطلاعی در باره معرفی دور جدید سایت روزنه»، چه ربطی به این که رفیق رازی به شما مقاله انتقادی در مورد «حزب» بفرستد یا نفرستد دارد؟ اگر روزنه واقعاً به طور آزادانه و دموکراتیک مقاله‌ها را چاپ می‌کند دیگر «سمپاتی سیاسی» فقط دستور عمل اعلام نشده می‌تواند باشد!

سوم، آنان که کار صبورانه و صادقانه‌ی سوسیالیست‌های انقلابی را در ۳۰ سال اخیر دیده‌اند (و یا گروه طرفدار «دفترهای کارگری سوسیالیستی» و «اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی ایران» را در بیش از ۱۰ سال شناخته‌اند) نیک می‌دانند که ما به هیچ وجه اهل «احساس زرنگی»، حال از نوع کودکانه یا «مسن»-انه، نیستیم. به نظر ما ساختن پایه‌های مستحکم، هر چقدر هم طول کشد، در درازمدت مثمر ثمر می‌باشد (و پایه‌ی مستحکم چیزی می‌باشد که کسی از آن خبری ندارد تا توفان بزرگ اهمیت آن را آشکار کند)!

چهارم، کار ما «مضر و غیر سازنده» نبوده و دست «دموکرات»های صرفاً «لفظی» را آشکار کرده‌ایم. عمل کسانی که در کنگره‌ی خود را بر سلطنت طلبان و توده‌ای-اکثریتی‌ها می‌کشایند ولی یک مقاله‌ای را که از نقطه نظر چپ انقلابی از آنان انتقاد می‌کند سانسور کرده و از آن عمل غیر اصولی کاملاً دفاع می‌کنند (!) «مضر و غیر سازنده» است. دیگر همه «دموکرات» بودن رهبری «حزب» را در عمل دیدند!

تا آن جایی هم که به "قهر و اعلام "حصر" روزنه" بر می‌گردد باید گفت که ما "قهر" نکردیم، ولی از آن جایی که روزنه حقوق ابتدایی دموکراتیک ما را رعایت نمی‌کند، ما هم روزنه را فعالانه تحریم می‌کنیم و به دیگر گروه‌ها و افراد نیز چنین توصیه می‌کنیم!

مراد شیرین،

سردبیر «عمل کارگری»

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN , London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴